

باسمه تعالی

اداره کل آموزش و پرورش استان یزد

مدیریت آموزش و پرورش ناحیه یک یزد

درسنامه ادبیات فارسی پایه نهم، فصل چهارم

ویژه آموزش مجازی

تهیه و تنظیم

جواد وطنخواه

با همکاری و راهنمایی خانم یابنده

تابستان ۹۹



درس دهم: آرشی دیگر

محمد دهریزی: کودکی از جنس نارنجک.

جنگ، جنگی نابرابر بود / جنگ، جنگی فوق باور بود

معنی واژه ها: نابرابر: ناعادلانه

نکته دستوری: مصراع ها ۲ جمله دارد / جنگ: نهاد / جنگی: مسند / نابرابر: صفت / بود: فعل اسنادی / جنگی: مسند / فوق باور: صفت

آرایه: تکرار: جنگ، جنگ

کیسه های خاکی و خونی / خطّ مرزی را جدا می کرد

نکته دستوری: مصراع ها ۱ جمله دارد / کیسه های خاکی و خونی: نهاد / خطّ مرزی: مفعول / جدا: مسند / می کرد: فعل

آرایه: واج آرایی حرف خ

دشمن بد عهد بی انصاف / با هجوم بی امان خود / مرزها را جابجا می کرد

معنی واژه ها: بد عهد: بد قول، مخالف خوش قول / هجوم: حمله / بی امان: ناگهانی

نکته دستوری: مصراع ها ۱ جمله دارد / دشمن بد عهد بی انصاف: نهاد / هجوم بی امان خود: متمم / مرزها: مفعول / جابجا: مسند / می کرد:

فعل

آرایه: کنایه: مرزها را جابجا می کرد کنایه از این که به خاک کشورمان تجاوز می کرد

از میان آتش و باروت / می وزید از هر طرف، هر جا / تیرهای وحشی و سرکش / موشک و خمپاره و ترکش

معنی واژه ها: می وزید: پرتاب می شد

نکته دستوری: مصراع ها ۱ جمله دارد / تیرهای وحشی و سرکش، موشک و خمپاره و ترکش: نهاد / از: حرف اضافه / هر طرف: متمم / هر جا:

متمم / آتش و باروت: متمم

آرایه: تشخیص: تیرهای وحشی و سرکش / مراعات نظیر: آتش، باروت، خمپاره، موشک، ترکش / جناس: سرکش، ترکش

آن طرف، نصف جهان با تانک های آتشین در راه / این طرف، ایرانیان تنها

نکته دستوری: مصراع ها ۲ جمله دارد / آن طرف: قید / نصف جهان: ترکیب اضافی، نهاد / تانک های آتشین: ترکیب وصفی، متمم / در راه:

مسند / بودند: فعل اسنادی محذوف / این طرف: قید / ایرانیان: نهاد / تنها: مسند / بودند: فعل اسنادی محذوف

آرایه: تلمیح: آن طرف، نصف جهان با تانک های آتشین... تلمیح به این که در جنگ کشورهای قدرتمند دیگری به عراق کمک می کردند /

تکرار: طرف، طرف

این طرف تنها سلاح جنگ، ایمان بود / خانه های خاک و خون خورده / مهد شیران و دلیران بود

نکته دستوری: مصراع ها ۲ جمله دارد / این طرف: قید / تنها: قید / سلاح جنگ: ترکیب اضافی، مسند / ایمان: نهاد / بود: فعل اسنادی / خانه

های خاک و خون خورده: ترکیب وصفی / خانه ها: نهاد / خاک و خون خورده: صفت / مهد شیران و دلیران: مسند / بود: فعل اسنادی

آرایه: تشبیه: ایمان به سلاح جنگ / کنایه: خانه های خاک و خون خورده کنایه از ویران شده / استعاره: شیران و دلیران استعاره از رزمندگان

شجاع / تشخیص: خاک و خون خوردن خانه ها

شهر خونین، شهر خرمشهر / در غروب آفتاب خویش / چشم در چشم افق می دوخت / در دهان تانک ها می سوخت

نکته دستوری: مصراع ها ۲ جمله دارد / شهر خونین: ترکیب وصفی، نهاد / شهر خرمشهر: ترکیب اضافی: بدل / غروب آفتاب خویش: متمم

/ چشم: مفعول / چشم افق: متمم / می دوخت: فعل / دهان تانک ها: ترکیب اضافی، متمم / می سوخت: فعل



آرایه: جانبخشی: شهر خرمشهر، چشم در چشم افق می دوخت / کنایه: غروب آفتاب خویش کنایه از اشغال شدن شهر خرمشهر / تشخیص: دهان تانک / تشخیص: چشم افق / کنایه: در دهان تانک ها سوختن کنایه از نابود شدن

در چنان حالی هراس انگیز / شهر از آن سوی سنگرها / شیر مردان را صدا می زد

نکته دستوری: مصراع ها ۱ جمله دارد / در چنان حالی هراس انگیز: قید / شهر: نهاد / آن سوی سنگرها: متمم / شیر مردان: مفعول / صدا می زد: فعل

آرایه: تشخیص: شهر شیر مردان را صدا می زد / استعاره: شیرمردان استعاره از رزمندگان شجاع

آی! ای مردان نام آور / ای همیشه نامتان پیروز / بی گمان امروز / فصلی از تکرار تاریخ است

نکته دستوری: مصراع ها ۴ جمله دارد / آی: شبه جمله / ای مردان نام آور: منادا / ای همیشه نامتان پیروز: منادا / بی گمان: قید / امروز: نهاد / فصلی از تکرار تاریخ: ترکیب اضافی، مسند / است: فعل اسنادی

گر بماند دشمن، از هر سو / خانه هامان تنگ خواهد شد / ناممان در دفتر تاریخ / کوچک و کم رنگ خواهد شد

نکته دستوری: مصراع ها ۳ جمله دارد / اگر: حرف شرط / دشمن: نهاد / هر سو: متمم / بماند: فعل / خانه هامان: ترکیب اضافی، نهاد / تنگ: مسند / خواهد شد: فعل / ناممان: ترکیب اضافی، نهاد / دفتر تاریخ: ترکیب اضافی، متمم / کوچک و کم رنگ: مسند / خواهد شد: فعل

آرایه: کنایه: خانه هامان تنگ خواهد شد کنایه از این که کشور ما را می گیرند / اضافه تشبیهی: دفتر تاریخ / کنایه: کوچک و کم رنگ شدن: کنایه از بی ارزش و بی اعتبار شدن / واج آرایه ک، گ

خون میان سنگر آزادگان جوشید / مثل یک موج خروشان شد

نکته دستوری: مصراع ها ۲ جمله دارد / خون: نهاد / سنگر آزادگان: ترکیب اضافی، متمم / جوشید: فعل / مثل یک موج خروشان: مسند / شد: فعل اسنادی

آرایه: تشبیه: خون به موج خروشان، خون غیرت رزمندگان مثل یک موج خشمگین شد / کنایه: جوشیدن خون کنایه از به غیرت آمدن و خشمگین شدن

کودکی از دامن این موج بیرون جست / از کمند آرزوها رست

معنی واژه ها: کمند: طناب، بند، رشته ای ضخیم و بلند که برای به دام انداختن انسان یا حیوان به کار می رود

نکته دستوری: مصراع ها ۲ جمله دارد / کودکی: نهاد / از دامن این موج: متمم / بیرون: قید / جست: فعل / کمند آرزوها: ترکیب اضافی، متمم / رست: فعل

آرایه: تشخیص: دامن این موج / اضافه تشبیهی: کمند آرزوها / مجاز: کودک مجاز از محمد حسین فهمیده / استعاره: این موج استعاره از رزمندگان / جناس: جست، رست

چشم او در چشم دشمن بود / دست او در دست نارنجک

نکته دستوری: مصراع ها ۲ جمله دارد / چشم او: چشم او: ترکیب اضافی، نهاد / در چشم دشمن: ترکیب اضافی، مسند / بود فعل اسنادی / دست او: ترکیب اضافی، نهاد / در دست نارنجک: ترکیب اضافی، مسند / بود: فعل اسنادی محذوف

آرایه: تکرار: چشم، چشم، دست، دست / کنایه: چشم در چشم دشمن بودن کنایه از زل زدن به دشمن / تشخیص: دست نارنجک

جنگ، جنگی نابرابر بود / جنگ، جنگی فوق باور بود

توضیح این بیت در اول درس وجود دارد

کودک تنها به روی خاکریز آمد / صد هزاران چشم قاب عکس کودک شد

نکته دستوری: مصراع ها ۲ جمله دارد / کودک: نهاد / تنها: صفت / به روی: حرف اضافه / خاکریز: متمم / آمد: فعل / صد هزاران چشم: نهاد / قاب عکس کودک: ترکیب اضافی، مسند / شد: فعل اسنادی



آرایه: تشبیه: صد هزاران چشم مثل قاب عکس کودک شد

خط دشمن، گیج و سرگردان / چشم ها از این و آن پرسان

نکته دستوری: مصراع ها ۲ جمله دارد / خط دشمن: ترکیب اضافی، نهاد / گیج و سرگردان: مسند / است: فعل اسنادی محذوف / چشم ها: نهاد / این و آن: متمم / پرسان: مسند / است: فعل اسنادی محذوف

آرایه: مجاز: خط دشمن مجاز از دشمنان / تشخیص: خط دشمن گیج و سرگردان / تشخیص: پرسان بودن چشم ها

کیست این کودک؟ / او چه می خواهد از این میدان؟!

نکته دستوری: مصراع ها ۲ جمله دارد / این کودک: نهاد / کیست: چه کسی است: چه کسی: مسند، است: فعل اسنادی / او: نهاد / این میدان: متمم / چه: مفعول / می خواهد: فعل

صحنه جانبازی است اینجا؟! / یا زمین بازی است اینجا؟!

نکته دستوری: مصراع ها ۲ جمله دارد / اینجا: نهاد / صحنه جانبازی: ترکیب اضافی، مسند / است: فعل اسنادی / اینجا: نهاد / زمین بازی: ترکیب اضافی، مسند / است: فعل اسنادی

آرایه: تکرار: اینجا، اینجا

دشمنان کوردل، اما / در دلش خورشید ایمان را نمی دیدند / تیغ آتش خیز «دستان» را نمی دیدند / در نگاهش خشم و آتش را نمی دیدند / بر کمانش، تیر «آرش» را نمی دیدند / در رگش، خون «سیاوش» را نمی دیدند

معنی واژه ها: دستان: لقب زال پدر رستم، جهان پهلوان ایرانی است / آرش: آرش کمانگیر، یکی از پهلوانان شاهنامه

نکته دستوری: مصراع ها ۵ جمله دارد / دشمنان کوردل: ترکیب وصفی، نهاد، در جمله های بعد هم همین ترکیب نهاد است که حذف شده است / اما: حرف ربط / دلش: ترکیب اضافی، متمم / خورشید ایمان: ترکیب اضافی، مفعول / نمی دیدند: فعل / تیغ آتش خیز دستان: مفعول / نمی دیدند: فعل / نگاهش: ترکیب اضافی، متمم / خشم و آتش: مفعول / نمی دیدند: فعل / کمانش: ترکیب اضافی، متمم / تیر آرش: ترکیب اضافی، مفعول / رگش: ترکیب اضافی، متمم / خون سیاوش: ترکیب اضافی، مفعول / نمی دیدند: فعل

آرایه: تلمیح: به داستان ها و شخصیت های شاهنامه / اضافه تشبیهی: خورشید ایمان / مجاز: تیغ مجازاً شمشیر / جناس: آتش، آرش

کودک ما بغض خود را خورد / چشم در چشمان دشمن کرد / با صدایی صاف و روشن گفت

نکته دستوری: مصراع ها ۳ جمله دارد / کودک ما: ترکیب اضافی، نهاد، نهاد جمله های بعد نیز همین است که حذف شده است / بغض خود: ترکیب اضافی، مفعول / خورد: فعل / چشم: مفعول / چشمان دشمن: ترکیب اضافی، متمم / کرد: فعل / صدایی صاف و روشن: ترکیب وصفی، متمم / گفت: فعل

آرایه: جناس: خورد، خود / کنایه: بغض خود را خوردن کنایه از خشم خود را کنترل کردن / تکرار: چشم / حس آمیزی: صدایی صاف و روشن

آی، ای دشمن! من حسین کوچک ایران زمین هستم / یک تنه با تانک می جنگم / مثل کوهی آهنین هستم / من همین هستم

نکته دستوری: ۶ جمله دارد / آی: شبه جمله / ای دشمن: منادا / من: نهاد، در جمله های بعد نیز نهاد همین است که حذف شده / حسین کوچک ایران زمین: گروه مسندی / هستم: فعل اسنادی / یک تنه: قید / تانک: متمم / مثل کوهی آهنین: گروه مسندی / هستم: فعل اسنادی / من: نهاد / همین: مسند / هستم: فعل اسنادی

آرایه: تشبیه: مثل کوهی آهنین هستم / تلمیح: به داستان حسین فهمیده / واج آرایه حرف ن

ناگهان تکبیر، پر واکرد / در میان آتش و باروت، غوغا کرد / کودکی از جنس نارنجک / در دهان تانک ها افتاد...

نکته دستوری: ۳ جمله دارد / ناگهان: قید / تکبیر: نهاد / پر: مفعول / وا: مسند / کرد: فعل در معنای اسنادی / تکبیر: نهاد حذف شده در مصراع دوم است / آتش و باروت: متمم / غوغا: مسند / کرد: فعل در معنای اسنادی / کودکی: نهاد / جنس نارنجک: ترکیب اضافی، متمم / دهان تانک ها: ترکیب اضافی، متمم / افتاد: فعل



آرایه: تشخیص: تکبیر، پر واکرد / کنایه: تکبیر پر وا کرد کنایه از این که صدای الله اکبر رزمندگان به آسمان رفت / مراعات نظیر: آتش و باروت، نارنجک، تانک / تشخیص: دهان تانک ها / کنایه: در دهان تانک افتادن کنایه از به میان تانک ها رفتن
لحظه ای دیگر / از تمام تانک ها، تنها / تلی از خاکستر خاموش / ماند روی دست های دشت

معنی واژه ها: تل: تپه، بلندی، هر چیزی که بر روی هم انباشته شود

نکته دستوری: مصراع ها ۱ جمله دارد / لحظه ای دیگر: قید / تمام تانک ها: متمم / تنها: قید / تلی از خاکستر خاموش: گروه نهادی / دست های دشت: متمم / ماند: فعل

آرایه: تشبیه: تانک ها به تلی از خاکتر خاموش / تشخیص: دست های دشت / جناس: دست، دشت

آسمان از شوق، دف می زد / شطّ خرمشهر، کف می زد

معنی واژه ها: دف: یکی از آلات موسیقی دارای حلق ای چوبی و پوست نازک که با سرانگشتان نواخته می شود. / شطّ: رود بزرگ که وارد دریا شود

نکته دستوری: ۲ جمله دارد / آسمان: نهاد / شوق: متمم / دف: مفعول / می زد: فعل / شطّ خرمشهر: ترکیب اضافی، نهاد / کف: مفعول / می زد: فعل

آرایه: جناس: دف، کف / ایهام: کف در اینجا هم کف روی آب معنا می دهد و هم کف زدن / تشخیص: دف زدن آسمان / تشخیص: کف زدن شطّ خرمشهر / کنایه: آسمان از شوق دف می زد و شطّ خرمشهر کف می زد کنایه از خوشحالی برای آزادی خرمشهر

شهر، یکباره به هوش آمد / چشم اشک آلوده را واگرد / بر فرازی گنبد زیبا / پرچم خود را تماشا کرد

نکته دستوری: ۳ جمله دارد / شهر: نهاد، نهاد جمله های بعد نیز همین است / یکباره: قید / هوش: متمم / آمد: فعل / چشم اشک آلوده: ترکیب وصفی / چشم: مفعول / اشک آلوده: صفت / واگرد: فعل / فراز: قید / گنبد زیبا: ترکیب وصفی، متمم / پرچم خود: ترکیب اضافی، مفعول / تماشا کرد: فعل

آرایه: مجاز: شهر مجاز از مردم شهر / کنایه: به هوش آمدن شهر کنایه از آگاه و هوشیار شدن / تشخیص: شهر به هوش آمد / تشخیص: شهر چشم وا کرد / تشخیص: شهر پرچم خود را تماشا کرد

خودارزیابی درس دهم

۱- کدام قسمت از درس، اشاره به شهید «حسین فهمیده» دارد؟

آی، ای دشمن! من حسین کوچک ایران زمین هستم؛ یک تنه با تانک هاتان در کمین هستم؛ مثل کوهی آهنین هستم.

۲- درباره این مصراع شعر «آن طرف نصف جهان، با تانک های آتشین در راه» توضیح دهید.

منظور این است که در جنگ تحمیلی ایران و عراق، کشورهای دیگری چون آمریکا و انگلیس حامی عراق بودند و سلاح های پیشرفته در اختیار او قرار می دادند.

۳- چه شباهت هایی بین این درس و درس هشتم (هم زیستی با مام میهن) وجود دارد؟

هر دو مربوط به ادبیات پایداری و مربوط به وطن دوستی هستند و این که هرکسی باید نگاهی دقیق به کشورش داشته باشد و همچون رابطه مادر و فرزندی رابطه ای عاشقانه و پر احساس داشته باشند و برای همدیگر از مال و جان و... دریغ نکنند.



نکته ادبی درس دهم

تلمیح: در لغت به معنای «با گوشه چشم اشاره کردن» است؛ اما در اصطلاح ادبی، آرایه ای است که شاعر یا نویسنده، گاهی برای زیباتر ساختن سخن و تأثیر گذاری بیش تر آن، به اشاره و غیر مستقیم از آیات، روایات، احادیث، داستان ها و رویدادهای مهم تاریخی و... استفاده می کند. به این شیوه بهره گیری از کلام، «تلمیح» می گویند.

نمونه ای از تلمیح را در همین درس در مصراع «بر کمانش تیر آرش را نمی دیدند» و همچنین «در رگش خون سیاوش را نمی دیدند» می بینیم که شاعر به قهرمانان داستان های شاهنامه اشاره دارد.

همچنین در بیت:

یوسف گمگشته، باز آید به کنعان، غم مخور کلبه احزان شود روزی گلستان، غم مخور

حافظ اشاره به داستان حضرت یوسف (ع) دارد.

همچنین اقبال لاهوری در بیتی به داستان حضرت ابراهیم (ع) و سرد شدن آتش بر روی این پیامبر اشاره می کند و چنین می سراید:

عشق با دشوار ورزیدن خوش است چون خلیل از شعله گل چیدن خوش است

فعالیت های نوشتاری درس دهم

۱- در مصراع های زیر، واژه های نادرست املائی را بیابید و شکل صحیح آن ها را بنویسید.

الف) ناگهان تکبیر پر وا کرد / در میان آتش و باروت، غوقا کرد

غوغا

ب) این طرف تنها صلاح جنگ، ایمان بود / خانه های خاک و خون خورده / مهد شیران و دلیران بود

صلاح

پ) دشمن بد عهد بی انصاف / با هجوم بی امان خود / مرزها را جابجا می کرد

هجوم

۲- هر یک از بیت های زیر به کدام داستان اشاره دارد؟ چکیده آن ها را در دو بند بنویسید.

الف) چون سگ اصحا کهف، آن خرس زار شد ملازم در پی آن بردبار (مولوی)

اشاره و تلمیح به داستان قرآنی اصحاب کهف دارد.

اصحاب کهف عده ای مسیحی بودند که در زمان حکمرانی امپراطوری روم باستان در ترکیه امروزی زندگی می کردند. آن ها سرانجام از جبر روزگار خسته شده و به گفته قرآن بر اساس الهامی که از خداوند دریافت کردند، همراه سگ خود به غاری در روستایی در نزدیکی مریوان امروزی رفتند. چون به غار رسیدند خواب آن ها را در ربود. پس حدود سیصد سال به خواب رفتند و بعد چون برخاستند خود پنداشتند که چند ساعتی بیش نخوابیده اند. چون به شهر رفتند همه چیز را دگرگون یافتند. سرانجام به غار بازگشتند و دیگر اثری از آن ها یافت نشد و مردم بر فراز غار برای آنان مسجدی ساختند.

ب) بزد تیر بر چشم اسفندیار سیه شد جهان پیش آن نامدار (فردوسی)

اشاره به نبرد اسفندیار و رستم دارد.

اسفندیار، شاهزاده ایرانی و رستم نیز پهلوان نامدار ایرانی است. شاه ایران قصد ندارد که اسفندیار را جانشین خود کند. از آن سو هم دل خوشی از رستم ندارد، بنابراین به اسفندیار می گوید به سیستان برو و رستم را دست بسته نزد من بیاور تا تاج و تخت را به تو دهم. به این صورت آتش جنگ را بین این دو پهلوان نامی روشن می کند. در جنگ تن به تن نه رستم می تواند اسفندیار را شکست دهد و نه اسفندیار



بر رستم پیروز می شود. تا اینکه رستم نزد سیمرغ می رود و سیمرغ به او می گوید: اسفندیار رویین تن است. هیچ تیری یا شمشیری در او اثر نمی کند. او تنها از ناحیه چشم آسیب پذیر است. رستم بر اساس همین ضعف در جنگ با او تیر را بر چشمان اسفندیار زد و او را شکست داد.

۳- درک و دریافت خود را از سروده زیر، بنویسید.

«آسمان از شوق، دف می زد / شطّ خرمشهر، کف می زد / شهر، یکباره به هوش آمد / چشم اشک آلوده را واگرد / بر فرازی گنبد زیبا / پرچم خود را تماشا کرد».

این سروده با آهنگی استوار به حماسه بیرون راندن دشمن از خرمشهر اشاره دارد و از این اتفاق مهم و بارز آسمان به خاطر شوق و علاقه زیاد دف می زد و با این دف زدن رود خرمشهر با شادی وصف ناشدنی کف می زد و خرمشهر یکباره به هوش آمد و از اسارت و بندگی رها شد و چمان پر از اشک خود را باز کرد و با تلاش سربازان ایرانی که حقیقتاً همچون سربازان امام زمان (عج) هستند پرچم سه رنگ زیبای کشورمان، ایران عزیز، را بر فرازی گنبدی زیبا برافراشتند و خرمشهر، آن را تماشا می کرد.

این سروده بیان دلآوری ها، شجاعت، استواری ها و شادی های بسیار مردم ایران به ویژه مردم خرمشهر و تمام پدیده های آن را بیان می کند که در جنگی نابرابر حسین فهمیده و حسین فهمیده های فراوانی همچون آرش کمانگیر برای دفاع از ایران و ایرانی به پا خواستند و جانانه و عاشقانه جان های خود را برای کشورمان فدا کردند تا به پاس این ایثار و فداکاری وجبی از خاک ایران به دست دشمن نیفتد.

